



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۳/۰۷

عبدالقیوم میرزاده

تأملی در باره تمایل به یک جانبه گرایی یا ذهنی گرایی



گرچه در باره تمایل و جانبداری یک جانبه غیر مستدل در سیاه مشق دیگری از این قلم زیر "عنوان سیری در توضیح تعصب، افراط گرایی، لجاجت، تقلید کورکورانه و پیش داوری" اشاره مختصر صورت گرفته است ولی دیده می شود که عده ای از نویسندگان و قلم بدستان ما طراوش های ذهن شانرا در باره مسایل بسیار حاد ملی که مستلزم تعمق های بسیار ژرف کارشناسانه و مسلکی میباشد ارائه کرده و مردم را بر سر دو راهی ها و بعضاً چهاراهی ها قرار داده و قابلیت تصمیم گیری را از آنها سلب میکنند خواستم تأمل بیشتر در این زمینه انجام داده و پهلوهای مفید و مضر یک جانبه گرایی را و یا تمایل و جانبداری غیر مستدل را توضیح کنم.

یک جانبه گرایی یا تمایل به جانبداری از یک شخص، یک نظریه و یا یک موضوع بدون در نظر داشت درستی و یا نادرستی آن و تمایل و جانبداری ذهنی گرایانه که بزبان انگلیسی آنرا BIAS میگویند. یعنی اینکه ما در برابر یک شی، شخص، حزب، ملت و یا موضوعی خنثی نبوده و روایت خویش را در زمینه بدون ارائه دلایل منطقی ارائه می کنیم. این خصوصیت فطری بشر بوده و در طول تاریخ همراه با انسان تا به زمانه ما رسیده و هنوز هم بصورت دوامدار همراه با زندگی بشر سیر دارد. بسیاری از مردم به این باورند که تمایل یک جانبه و جانبداری و ابراز نظر ایشان نتیجه خود آگاهی آنها میباشد در حالیکه تحقیقات دانشمندان علوم روانشناسی و ادراک میرساند که ابراز نظر ما از جانبداری یک جانبه و تمایل به یک شی، شخص، سازمان، مردم و یا یک موضوع محصول ذهن ما است که بنابر تمایل ما آنرا روایت میکند و ما آنرا خود آگاهی میندازیم.

روان شناسان چون "دنیل کانمن" Daniel Kahneman روانشناس امریکایی متولد ۵ مارچ ۱۹۳۴، پاول سلوویچ Paul Slovic متولد ۱۹۳۸ در شیکاگو امریکا روانشناس و استاد پوهنتون های استانفورد و میشیگان و آموس تیورسکی Amos Tversky (۱۹۳۸ - ۱۹۹۶) روانشناس و استاد پوهنتون های استانفورد و یوریشلیم در اوایل سالهای دهه هفتاد مفاهیم اصلی یک جانبه گرایی و یا ذهنی گری را بررسی کرده و نتایج کار مشترک شانرا در باره تمایل یکجانبه گرایی روانی یا ذهنی گرایی در سال ۱۹۸۲ در کتابی تحت عنوان "قضاوت در موارد نامطمئن" Judgment Under Uncertainty منتشر کردند. آنها توصیه کردند که باید تصمیمات مهم را در همه عرصه های

اقتصادی سیاسی و اجتماعی در قالب مشاوره و مناظره گروهی بگیریید تا نتایج بهتری برایتان رقم بخورد. در غیر آن اسیر محصولات ذهنی یا ذهنی گرایی خطرناک میشوید که در علم روانشناسی به یکجانبه گرایی ذهنی یا ذهنی گرایی نیز معروف است، که عبارت است از تمایل به تصمیم گیری انفرادی غیر مستدل، ابراز نظر بی اساس و بی پایه و یا اقدام به شیوه غیرمنطقی. بطور مثال، شاید شما بطور ناخودآگاه استفاده جاگزین از اطلاعاتی بکنید که محصولات ذهنی شما را مهر تأیید بگذارد و یا برای اثبات محصول ذهن تان معلومات و اطلاعاتی را جمع آوری کنید. آنها همچنان توضیح کردند که انسان ها بطور معمول تنفس می کنند بدون آنکه خودشان اراده کنند یعنی نفس کشیدن اینچینی عملی است نا خود آگاه ولی همچنان اگر ما اراده کنیم می توانیم تنفس خویش را تحت کنترل خویش گرفته و به هر سرعت که خواسته باشیم کوتاه و یا طویل تنفس کنیم یعنی تنفس آگاهانه یا خود آگاه به همین ترتیب تمام پدیده های نا خود آگاه را میتوان ذریعه تعقل و اندیشیدن سالم تحت کنترل در آورد و به این ترتیب ذهن اسیر تعقل هدفمند ما قرار خواهد داشت نه اینکه ما اسیر ذهن باشیم. تمایل ذهنی گرایانه درست نقطه مقابل اندیشیدن منطقی بدون سرحد و قضاوت معمول، واضح و معیار است و ممکن است که منجر به تصمیم گیری های نادرست و از دست دادن فرصت های فراوان شود. بطور مثال اگر من خودم کاری را انجام داده نتوانستم هزاران دلیل برایش فهرست میکنم تا به اطرافیان و مرتبطین کار متذکره به زعم خودم بقبولانم که دلایل ارائه شده باعث ناکامی ام بود ولی اگر کسی دیگری همان کار را انجام داده نتواند اولین عکس العمل ما این است که این شخص بیکاره است و توان اجرای چنین کاری را ندارد بدون ارزیابی عدیده دلایلی که برای ناکامی خود آنرا فهرست کرده ایم، و یا اینکه اگر من راننده باشم و تصادم کنم، دلیلش کار نکردن برک و لشمی جاده است ولی اگر راننده دیگری تصادم کند گنهکارست که توجه نداشته، به اطرافش خوب دقت نکرده و بموقع برک نگرفته است و مثالهای زیادی میتوان در این راستا ارائه کرد. یک جانبه گرایی یا ذهنی گری یا بهتر خواهد بود بگویم اسیر ذهن بودن تا وقتی که پافشاری، پرخاشگری برای تکرار روایات پرداخته ای ذهن در میان نباشد آنقدر خطرناک نیست ولی اگر این یک جانبه گرایی در اندیشیدن، تفسیر، قضاوت، استدلال و نظریه پردازی اختلال ایجاد کند و باعث انحراف شخص و بوسیله آن جامعه بصوب انحرافی سوق داده شود نهایت خطرناک بوده و در کل معادل تعصب جامعه را به بیراهه کشانده و نتایج ویرانگری به جامعه و مردم دارد. تمایل بیش از حد به قیاس کردن در بسا مسایل مبرم و حیاتی، به ابهامات اتکا کردن و از تأثیر آن بر مسایل مطرح بحث سو استفاده کردن، تأکید بیش از حد و لنگر انداختن بالای یکی از ویژه گی های مسایل مورد بحث و از نظر دور انداختن سایر دلایل و استدلالات منطقی، شخصیت سازی های تصنعی، بزرگ نمایی و اغراق در تعاریف اشیا، اشخاص و حیوانات، گرد آوری اطلاعات برای قابل توجه ساختن تمایلات ذهنی گرانه و اعتقادات و باور های مذهبی، سیاسی، ایدئولوژیک و قومی که اشخاص بدون هیچ دلیل موجه به آن پایبند بوده و همه ما حول خویش را با سنجه باور بی بنیاد خود به ارزیابی میگیرند، از جمله ذهنی گری هایی است که انسانها را از مسیر علمی و منطقی تفکر بدور ساخته و به کج راه و بیراهه می کشاند که در مسایل اهم کشوری، جامعه و مردم را شدیداً زیانمند می سازد.

همان طوریکه در بالا متذکر شدم یک جانبه گرایی یا ذهنی گرایی که ما آنرا اسیر ذهن بودن نیز تفسیر کردیم همگام با زنده گی بشر تا زمانه ما سیر کرده پس چگونه میتوان از اسارت ذهن خود را وار هاند و ذهن را اسیر خویش یا تعقل ساخت؟ بشر در دنیای پر از راز و رمز تا کنون توانسته بر اساس پرسشگری، تفکر نقادانه، شک و تردید و

ارزیابی حاصل تفکر هوشیارانه و سالم مهارت فکری خویش را بالا برده است. این پرسشگری را در حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی پرسشگری سقراطی و یا دیالکتیک جدل هم یاد میکنند، بر اساس این روش بالای هر موضوعی از سطح خانواده مبدأ تا سطح اداره کشور و مسایل جهانی بحث آزاد و سؤال و جواب متوالی و هدفمند راه اندازی شده، موافقین و مخالفین مسائل مطرح بحث هرکدام صف‌ارایی کرده و دلایل علمی و محک تجربه خورده خویش را مطرح کنند و هر دو جانب موافق و مخالف برای رد دلایل ارائه شده استنباطات علمی، واقعیت‌های عینی و عملی مطرح کنند و باین ترتیب به نتیجه علمی و عملی و مورد توافق اکثریت میرسند.

در کشور ما توپیر جرگه‌ها و لویه جرگه‌ها یکی از بدوی‌ترین شیوه‌های مباحثه (آزاد) گاه‌گاهی تشکیل شده که بنا بر موجودیت اکثریت محافظه‌کاران قومی و مذهبی در این جرگه‌ها، این مجالس هیچ‌گاه در تاریخ مظهر اراده جمعی نبوده و تصامیمش نیز منافع عموم مردم را منعکس نکرده است بلکه بالعکس در زمان حاکمیت شاه امان‌الله باعث عقب‌گرد آن شاه ترقی‌خواه از طرح‌های عمرانی و ترقی‌خواهانه‌اش گردیده و راه را برای سرنگونی‌اش باز گرداند.

اما آنچه در این زمینه برای کشور ما که دشمنانش بصورت مستمر برای بی‌ثبات‌سازی حاکمیت و اداره کشور و غرض تشدید مخالفت‌ها و ادامه بحران شعارهای مخالفت را چون لقمه‌های از قبل آماده شده بدهن مردم ما که سطح درک و فهم‌شان از منافع ملی کشور بسیار نازل بوده و توانایی تفکر علمی و سالم را در این عرصه ندارند داده و هر موردی از موارد اجراءات حکومت را به باد ناسزا گرفته و در اکثر موارد یک‌نفر (رئیس‌جمهور) و یا ندرتاً یک نفر دیگر را هم همراهش مسؤول میدانند. این کوتاه‌نگران هر مسئله، هر اتفاق و هر حرکتی را که حتی در آن منافع ملی کشور نهفته است، بار منفی داده و بر علیه آن قد علم میکنند. دولت به منظور رهایی از وابستگی اقتصادی و ترانزیتی کشور راه‌ها و چهار راه‌های جدید دست و پا میکند که به این ترتیب ما از وابستگی پاکستان فارغ می‌گردیم و در پهلوی آن هزاران محل کار جدید ایجاد میگردد ولی کوتاه‌نگران ده‌ها بهانه بی‌بنیاد برایش می‌آورند تا این مسئله اهم ملی را که حتی پاکستانی‌ها به آن معترف اند نه تنها فاقد اهمیت جلوه میدهند بلکه آنرا معادل خیانت معرفی میکنند، اگر دولت زور گویان، اوباشان قطاع‌الطریق را دستگیر می‌کند از آنها یک شبه قهرمانان ملی می‌سازند و به همین ترتیب صد‌ها مقال دیگر. این طرز برخورد مردم ما خاصاً درس خواندگان مرا به یاد قصه سفر ملا نصرالدین با پسرش و خرش می‌اندازد:

روایتی است از روزگاران قدیم که روزی ملا نصرالدین با پسرش عزم سفر کردند و خر ملا نصرالدین هم یگانه وسیله حمل و نقل‌شان در این سفر همسفر‌شان بود. ملا و پسرش سوار بر خر از قریه‌ای می‌گذشتند ساکنین دفاع از حقوق حیوانات قریه به حاکم شکایت کردند و حاکم ملا را به اتهام حیوان‌آزاری مجازات کرد، بعد این مجازات ملا خود سوار بر خر و پسرش بدنبال خر از قریه بعدی رد می‌شدند که اهالی حمایت از کودکان قریه از این بابت به حاکم شکایت کردند و ملای بیچاره را به اتهام کودک‌آزاری مجازات کردند. ملا بعد از مجازات در ادامه سفر پسر را سوار خر کرده و خودش با پای پیاده بدنبال روان گشت اهالی سنت پرور و سنت‌باور قریه از این عمل زشت مغایر سنت‌های مرسوم به حاکم شکایت کردند و حاکم ملا را به اتهام اینکه نتوانسته پسرش را طبق سنت‌های رائج تربیت کند مجازات کرد. ملا نصرالدین مظلوم و پسرش بعد این مجازات با پای پیاده به دنبال خر روان گشتند این بار تجدد‌پسندان قریه به حاکم شکایت کردند که احمق با پسرش با پای پیاده بدنبال خر قریه و تنومندی روان اند،

حاکم ملا را به اتهام حماقتش که ممکن است دامنگیر همه قریه شود مجازات کرد. بعد این مجازات ملا پسرش را بالای خر سوار کرده و خر را بر سر شانه کرده روان گشت و این جریان همینطور ادامه داشت.

در کشور ما وضعیت نقد و انتقاد همین گونه است، از بحث مستدل و آزاد اندیشانه خبری نیست، از پرسشگری سقراطی و دیالکتیک جدل خبری نیست. همه مردم کشور از دست فروش کنار جاده تا آن بالای بالا ید طولایی در علم سیاست داشته و تجربه شان هم از ریاست جمهوری کمتر نیست زیرا موضوع مورد بحث همه ریاست جمهوری است.

به نظر من بهتر خواهد بود تا حکومت سیستم تفکر سالم نقاد را شامل سیستم تدریسی مکاتب و مراجع تحصیلات متوسط و عالی گردانیده و تمرین تفکر علمی نقد بدون دشمنی، تعصب، انفصال و محور فزیکدیگر از همان آوان کودکی آغاز گردد تا مردم تفکرهای غیر از باور خود شان را دشمن خونی و واجب القتل نپندارند، بلکه شیوه های نقد در فضای همدلی، همیاری، برادری، عقلانی، بدون تعصب و انتقاد از خود را فرا بگیرند. آنها به قدرت تفکر سالم باور پیدا کنند و بیامورند که پاسخ درست به همه سؤالات و روش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وقتی دریافت میگردد که سؤال و معضل مورد تدقیق و تحقیق علمی قرار گیرد. اساساً کار فردای همه آن شاگردان و محصلین همان مسائلی اند که امروز جامعه به آن روبرو است بناءً راه اندازی همچو

تمرینات در صنف های درسی و مراجع تحصیلات متوسط و عالی و خاصتاً بحث مسائل داغ روز در کلیه مراجع تحصیلی از یکطرف نتیجه گیری های علمی برای ادارات ذیربط بدست میدهد و از جانب دیگر اکثریت مردم در همچو امور بصورت مستدل خود را دخیل میدانند، و فردا ها همین شاگردان امروز به فرهنگ تفاهم، تساند، همکاری، همیاری، باورمند واقعیت ها، اعتماد و اعتماد به نفس باور و ایمان پیدا کرده و قدرت تشخیص خوب و بد، درست و غلط، انصاف و تظلم را در خود میبیند.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف

تمایل به یکجانبه گرایی

Mirzada_a_q_tamaayol_ba_yakjaaneba_graayy.pdf